

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: محمد فضولی بغدادی از بزرگترین شاعران سده دهم هجری است که به سه زبان عربی، فارسی و ترکی شعر سروده است. دیوان فارسی فضولی در میان دواوین فارسی، از بلیغترین آنها به شمار میرود و در تاریخ شعر فارسی پلی میان سبک عراقی و سبک هندی شناخته میشود. در این پژوهش صد غزل و ده قصیده از دیوان فارسی این شاعر از دیدگاه سبک‌شناسی در سه سطح زبانی و فکری و ادبی مورد بررسی قرار گرفته است.

روش مطالعه: پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و الکترونیکی است.

یافته‌ها: زبان شعری فضولی ساده و روان است و ویژگیهای زبان کهن فارسی بندرت در آن دیده میشود. از زبان عربی بهره فراوانی برده است. از نظر ادبی نیز تشبیه و استعاره به ترتیب پربسامدترین فنون بلاغی در کلام اوست. در بخش صنایع لفظی انواع جناس و واج‌آرایی در صدر قرار دارند. عشق اصلیت‌ترین بنمایه شعری اوست و مضامین عرفانی نیز در اشعارش دیده میشود. یکی از وجوه مهم دیگر شعر فضولی پرداختن به مضامین شیعی و مدح و منقبت امامان شیعه یا سرودن مرثیه برای آنهاست.

نتیجه‌گیری: ردیف در شعر فضولی تنوع بسیاری دارد. از اضافه تشبیهی و استعاره بهره فراوان برده و اشعارش سرشار از تلمیحات قرآنی و داستانهای گذشتگان است. مضمون عمده قصاید وی مدح اهل بیت است. در مجموع میتوان گفت شعر فضولی از حیث پرداختن به موضوعات و مضامین مختلف از عشق زمینی، عرفانی، مضامین مذهبی و شیعی قابل توجه است. معشوق در شعر فضولی در اوج بیرحمی و بی‌اعتنایی به سر میرد.

تاریخ دریافت: ۱۸ اسفند ۱۴۰۱

تاریخ داوری: ۲۲ فروردین ۱۴۰۲

تاریخ اصلاح: ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۲۰ خرداد ۱۴۰۲

کلمات کلیدی:

سبک‌شناسی، سطح زبانی، سطح ادبی، سطح فکری، فضولی بغدادی.

* نویسنده مسئول:

eham.afshar@student.pnu.ac.ir

۳۲۵۴۶۷۲۱ (۹۸۸۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Stylistic analysis of Fozuli Baghdadi's poetry

E. Afshar

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 09 March 2023

Reviewed: 11 April 2023

Revised: 30 April 2023

Accepted: 10 June 2023

KEYWORDS

Stylistics, linguistic level, literary level, intellectual level, Fozuli Baghdadi

*Corresponding Author

elham.afshar@student.pnu.ac.ir

(+98 81) 32546721

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Mohammad Fozuli Baghdadi is one of the greatest poets of the 10th century of Hijri who wrote poetry in three languages: Arabic, Persian and Turkish. Persian Divan's Fozuli is considered one of the most eloquent among Persian poets, and in the history of Persian poetry, it is actually known as a bridge between the Iraqi style and the well-known Indian style. In this research, one hundred ghazals and ten odes from the Persian divan of this poet are examined from the point of view of stylistics in three linguistic, intellectual and literary levels.

METHODOLOGY: The current research is descriptive-analytical and based on library and electronic studies.

FINDINGS: Fozuli's poetic language is simple and fluent, and features of the old Persian language are rarely seen in it, and it has greatly benefited from the Arabic language. From a literary point of view, simile and metaphor are the most frequent rhetorical techniques in his words. Jenas and phonemes are at the top in the verbal industry section. Love is his main poetic theme and mystical themes are also seen in his poems. One of the other important aspects of Fozuli's poetry is dealing with Shia themes and praising and praising Shia imams or writing elegies for them.

CONCLUSION: There are many variations of the line in Fozuli's poetry. He used a lot of similes and metaphors, his poems are full of Quranic allusions and stories of the past. The main theme of his poems is the praise of Ahl al-Bayt. In general, it can be said that Fozyli's poetry is remarkable in terms of dealing with various topics and themes such as earthly love, mysticism, religious and Shiite themes. Beloved is at the height of cruelty and disregard in Fozuli's poem.

DOI: [10.22034/bahareadab.2024.10.7225](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2024.10.7225)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 12	 7	 1

مقدمه

عراق یکی از مراکز اصلی آشوب و تلاطم‌های پی‌درپی سیاسی و اجتماعی در قرن نهم و دهم بود. سالها جنگ و غارت، مردم این ناحیه را به نوعی بی‌اعتنایی به پیشرفت و فساد اخلاقی، که لازمه دوام آوردن در دوران انحطاط است، سوق داده بود. شهر بغداد و عراق عرب، که خود زمانی از کانونهای مهم علمی و دینی و فرهنگی به شمار میرفت، در قرن دهم رونق گذشته خود را از دست داده بود و گاه در قلمرو صفویه قرار میگرفت و گاه به اشغال عثمانی درمی‌آمد. جامعه‌ای که فضولی در آن میزیست جامعه‌ای شعرگریز بود و به جهت عدم تمایل شاهان به شعر، شاعرپروری به بوتۀ فراموشی نهاده شده بود. «شاعران عصر صفوی نمیتوانستند حامل رسالت و مسئولیتی باشند که شایسته یک شاعر واقعی است. بیتوجهی به فرهنگ عمومی و گذشته در سطح گسترده، بخصوص در نظر نداشتن فرهنگ سازنده و مسئولیت‌آفرین اسلام و تشیع، ضایعۀ بزرگی بود که گریبانگیر شعرای این روزگار شد و ضربه‌ای بزرگ و جبران‌ناپذیر بر شعر فارسی وارد کرد که اگر چنین نمیشد قطعاً شعر پارسی از کیفیتی برخوردار میگشت» (طغیانی، ۱۳۸۵: ۷۸)؛ اما در مقابل، شاهان عثمانی از ابتدا علاقه وافری به زبان و ادبیات فارسی نشان میدادند. آنان که از این لحاظ وارثان حکومت سلجوقی بودند نشان دادند که در ادب‌پروری و نوازش شعرای فارسی‌سرا از اسلاف خود چیزی کم ندارند و بتدریج دانشمندان فراوانی را دور خود جمع کردند و دست به خلق آثار برجسته‌ای زدند (مشرف، ۱۳۸۰: ۲۱).

سابقه پژوهش

درباره فضولی بغدادی مقالات متعددی نوشته شده است، اما مقاله‌ای که دیوان وی را از لحاظ سبک‌شناسی بررسی کند به چاپ نرسیده است. از مقالات نوشته‌شده میتوان به این موارد اشاره کرد: «مذهب فضولی» نوشته عطاءالله حسنی؛ «فضولی از شاعران قرن دهم» نوشته برات زنجانی؛ «بررسی جامعه‌شناختی اشعار صائب و فضولی بغدادی در دوره صفوی» نوشته غلامعلی حضرت قلیزاده و همکاران؛ «بررسی مضامین مشترک ساقینامه‌های ابن فارض و فضولی بغدادی» نوشته محمدرضا برزگر خالقی و همکاران؛ «سبک‌شناسی اشعار عاشورایی اهلی شیرازی، بابافغانی شیرازی و فضولی بغدادی» نوشته سمایه پروائیان و همکاران؛ «سوگواره‌سرایی حسینی» نوشته حمید ولی‌زاده و همکاران.

بحث و بررسی

معرفی شاعر

محمد فضولی یا ملا محمدبن سلیمان بغدادی (۱۴۸۳-۱۵۵۶ م) شاعر و ادیب ترک است و او را بزرگترین شاعر ترکی آذربایجانی در سده دهم میدانند. پدر وی ساکن حله در عراق امروزی بود و او نیز در آنجا به دنیا آمد و در بغداد پرورش یافت؛ از این روی سه زبان ترکی، فارسی و عربی را بخوبی میدانست و به هر سه زبان، شعر سروده است. او را یکی از پایه‌گذاران سبک هندی نیز میدانند (مشرف، ۱۳۸۰: ۳۱). این شاعر تأثیر عمیقی در تاریخ ادبیات ترکی و عربی و فارسی برجای نهاده است. علوم عربی را نزد عالمی به نام رحمت‌الله و علوم ادبی را نزد «حیبی» شاعر معروف آذربایجان آموخته است. پدر فضولی بنا به گفته «صادق بیگ افشار» از ایل بیات بوده که یکی از بیست‌ودو طایفه مهاجر ترکان اوغوز میباشد. حسن چلبی مرگ شاعر را به سال ۹۷۰ بر اثر طاعون ذکر کرده است و این تاریخی است که بیشتر محققان بر سر آن توافق دارند. فضولی تمام عمر خود را در عراق گذراند

و گرچه بی‌میل نبود که کلام خود را به استماع شاهان برساند، موقعیت مناسبی برای او در دربارهای عصر وجود نداشت و از سوی دیگر عشق به علی او را در عراق نگه میداشت؛ با آنکه رؤیای سفر به هند و روم را در سر داشت، اما هرگز از عراق خارج نشد.

فضولی بغدادی شاعری ممتاز است که از یک سو قدرت و استعداد شاعری را به کمال داراست و از سوی دیگر احساس و ادراک دینی و عرفانی او در غایت کمال و علو است. وی در سلوک عرفانی خود «به حقایقی دست یافته که نزد سالکان دانستنی است نه گفتنی». این سالک محراب عبادت، نمونه یک عارف کامل است که نور عقل شرعی به نیکوترین وجهی در روح او تجلی کرده و تعلق و تعین را حجاب رسیدن به مطلوب دانسته و در عشق‌بازی با معشوق ازلی از هر آدابی دست شسته است» (کی‌منش، ۱۳۷۸: ۳۰). فضولی ستایشگر فرزانه اهل بیت (ع)، از اندیشمندان شیعی زمانش و صاحب‌نظر در علوم و معارف عرفانی، قرآنی، فلسفی، و کلامی محسوب می‌شد اما در هیچیک از آثار وی ذکری از مذهب او نیست.

درباره او گفته‌اند «در جوانی عاشق دختر استادش بوده ولی وصال میسر نشده، اما این عشق آتشین، انگیزه‌ای برای سرودن داستان لیلی و مجنون به زبان ترکی شده و در واقع این مثنوی انعکاسی از داستان زندگی و عاشقی فضولی می‌باشد». کی‌منش درباره این عشق می‌گوید: «از دیدگاه ما آن نوای روح انگیز که از حنجره فضولی برمی‌آید از او نیست؛ بلکه عشق یا معشوق است که به زبان او سخن می‌گوید و بر پرده‌های گلپوش، آهنگ شرربار میریزد و هرچه او بگوید یا بسراید، خواه نغمه دل‌انگیز لطف باشد، یا ناله دردآمیز قهر، همه گفته عشق و تعلیم معشوق است؛ یعنی همان امانت الهی که صوفیه از آن تعبیر به عشق کرده و بزرگان دین، طاعت و تکلیف شرعی‌شان دانسته‌اند» (کی‌منش، ۱۳۷۸: ۳). در آثار او «عشق و محبت مفهوم بی‌اندازه وسیع پیدا می‌کند و همه عوالم معنوی شاعر بدین وسیله بیان می‌گردد» (مجرد، ۱۳۸۰: ۹).

عصر فضولی، دوران آمیزش فرهنگها و زبانهاست و در چنین اوضاع و احوالی که گویندگی به بیش از یک زبان رسم بود، طبع‌آزمایی ملامحمد در زبانهای مختلف هیچ عیب نیست. وی مانند ختایی (شاه اسماعیل صفوی) از بنیانگذاران ادب منظوم ترکی آذربایجان است. او «شاعری است آتشین‌بین از اکابر شعرای دهم هجری که اشعار مؤثر و سوزناک بسیاری، بیشتر به زبان ترکی بسیار فصیح و بلیغ، انشا کرده و گاهی به زبان عربی و فارسی نیز شعری گفته است» (ریحانه الادب: ص ۳۴۳). وی با سرودن ساقینامه به زبان فارسی و ترکی، دیدگاه عرفانی خود را با اشارات لطیف و ظریف و مضمون‌آفرینیهای تازه بوضوح آشکار ساخت. از جهت زیبایی ادبی، خیال‌پردازیهایی شاعرانه و مضامین عرفانی، بسیار نغز و زیبا سروده شده است. ساقینامه‌های فضولی به زبان ترکی و فارسی از مشهورترین آثار اوست و در بین ساقینامه‌ها، جایگاه والایی را به خود اختصاص داده‌اند. استعداد سرشار و بی‌نظیر او، نقش عظیمی در دگرگون‌سازی ادبیات ترکی ایرانی دوره اسلامی داشته است و میتوان گفت که نقشی را که نظامی در شعر فارسی ایفا کرده است، او در تاریخ شعر ترکی دارد. از روزگار خودش تا قرن‌ها بعد، بسیاری از شاعران نام‌آور ترکی تحت تأثیر آثار او به خلاقیت شعری پرداخته‌اند و نظیره‌سازی و تضمین بر بسیاری از آثار او را افتخار شمرده‌اند. کلیات آثارش در کتابخانه‌های آستان قدس رضوی، مجلس، ملی و دانشگاه تهران محفوظ و مضبوط است.

فضولی بیست‌ویک قصیده از قصاید خود را به ظاهر در مدح سروده است؛ اما موضوع اصلی این چکامه‌ها همه شکوه و شکایت و پند و اندرز و اعتراض به نابرابریها و اوضاع نابسامان روزگار است. در اشعارش به نام تعدادی از رجال صفوی برمیخوریم که عبارتند از:

شاه اسماعیل صفوی، که مثنوی بنگ و باده را به او تقدیم کرده است؛ الوند بیگ؛ ابراهیم خان والی بغداد از سوی صفویه؛ محمدخان تكلو، آخرین والی صفوی بغداد؛ سلیمان خان قانونی پادشاه عثمانی؛ ایاز پاشا والی بغداد از سوی عثمانی (مشرف، ۱۳۸۰: ۵۱).

آثار فضولی عبارتند از:

دیوان فارسی (شامل: ۴۱۰ غزل؛ ۴۸ قصیده؛ ۴۶ قطعه؛ ۱۰۵ رباعی و...؛ دیوان ترکی (شامل: ۳۲۷ غزل؛ ۱۴ قصیده؛ ۵۱ قطعه؛ ۸ رباعی و...؛ دیوان عربی (۱۱ قصیده)، مثنوی لیلی و مجنون (۳۰۹۶ بیت)، مثنوی هفت جام یا ساقینامه، کتاب رند و زاهد، رساله معما، فرهنگ لغت جغتایی-فارسی، صحبت‌الاثمار، مثنوی بنگ و باده (۴۴۴ بیت)، شکایتنامه، مطلع الاعتقاد فی معرفة المبدأ و المعاد، حقیقه السعداء، صحت و مرض، چهل حدیث و... .

سبک فضولی در قصیده و غزل

فضولی ذاتاً شاعری مداح نیست و بسیاری از مدیحه‌های او در نیمه راه تبدیل به نعت علی (ع) میشود و شعله این عشق همیشگی که در جان شاعر است و از ممدوح حکومتی معمولاً برای خالی نبودن عریضه نامی برده میشود. زبان فضولی در قصیده همواره عاری از زوائد و پیچیدگی و سخت‌فهمی است. قصاید او محکم و موزون بوده و هر قالب و وزن، متناسب با موضوع و مضمون انتخاب گردیده است. شاید روش او را بتوان از این لحاظ ادامه طبیعی زبان جامی در قصیده قرن دهم دانست و وجه غالب زبان شعری فضولی سادگی و سهولت فهم است. فضولی به انواع قصیده توجه نشان داده است. از تعداد چهل‌وهشت قصیده فضولی، بیست‌ویک قصیده در مدح دولتمردان ایران و عثمانی، هفت قصیده در نعت رسول اکرم (ص)، و سه قصیده در مناقب حضرت علی (ع) است. قصاید بهاریه، شکوائیه و عرفانی نیز در دیوان موجود است. همچنین قصاید عربی فضولی از فخامت و سلاستی بی‌مانند برخوردار است. صاحب‌کنه/الخبّار از قصاید عربی او یاد کرده گوید: «... و به زبان عربی قصاید بلاغت‌نشان دارد...». اما اوج جلوه‌گری طبع فضولی در آئینه غزل میسر شده است؛ زیرا فضولی ذاتاً طبعی افتاده و درویش دارد. عشق و حزن و پرستش‌حسن، محورهای اساسی کار اوست که همه در قالب غزل خوش می‌فتند. غزلیات فارسی او پس از غزلیات ترکی به وجود آمده‌اند و از این لحاظ محصول دوران باروری و کمال و پختگی شاعرند؛ به همین دلیل بسیاری از مضمون‌هایی که در غزل ترکی دارد در غزلیات فارسی نیز میتوان پیدا کرد. (مشرف، ۱۳۸۰: ۹۶). فضولی نخستین شاعر برجسته‌ای است که در شعر فارسی از سبک عراقی روی گرداند و مکتب معروف به وقوع را بها نداد و به معادل‌سازی در ادبیات و بیان اندیشه‌های تابناک و روان و نزدیک کردن زبان شعر به زبان عامه پرداخت. پورنامداریان درباره سبک فضولی چنین می‌گوید: «آنچه در غزلهای فضولی جلب نظر میکند، تصویرها و مضمون‌های ظریف و موجزی است که صرف نظر از زیبایی و جذابیت آنها، قدرت تخیل فضولی را در کشف ظرائف و دقائق ارتباط میان اشیا نشان میدهد... و حدود صد سال بعد از فضولی بوسیله صائب و... به اوج کمال میرسد و بنابراین فضولی را نیز باید از جمله پایه‌گذاران سبک هندی شمرد» (صدیق، ۱۳۸۷: ۶۰).

سبک‌شناسی اشعار

سطح زبانی

این سطح شامل سه سطح آوایی، لغوی و نحوی است.

سطح آوایی (موسیقایی): سطح موسیقایی و آوایی مجموعه مناسبت‌های وزنی، قافیه و ردیف و آرایه‌های لفظی

است که در انتقال پیام شاعر و تقویت عاطفه و خیال او نقش مؤثری دارد.

موسیقی بیرونی (وزن-بحر): شاخصترین جنبه موسیقی شعر، عروض یا همان موسیقی بیرونی است. منظور از موسیقی بیرونی شعر، موسیقی حاصل از هر گونه نظم در یک واحد کامل شعر است و موسیقی بیرونی با تکرار افعیل عروضی شکل میگیرد و مهمترین عامل تأثیرگذار در شعر پس از عاطفه، وزن است؛ زیرا برانگیختن عواطف بدون وزن کمتر اتفاق میفتد. فضولی در اشعارش به بحر رمل رغبتی تمام نشان داده و بیشتر قصایدش را در این بحر سروده است. این رغبت فضولی به بحر رمل در غزلیاتش نیز دیده میشود، شاعر برای بیان احساسات خود این قالب و وزن بلند را انتخاب کرده است.

اوزان صد غزل منتخب دیوان فضولی

وزن	نام بحر	جمع
مفاعیلن، مفاعیلن، مفاعیلن، مفاعیلن	هزج مثنی سالم	۱۶
مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلن	مجتث مثنی محذوف	۱۰
فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلان	رمل مثنی مقصور	۴۹
مفعول فاعلات مفاعیل فاعلان	مضارع مثنی اخرب مقصور	۵
دیگر اوزان	-----	۵

وزن ده قصیده منتخب (قصیده ۲۰ الی ۳۰)

وزن	نام بحر	جمع
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	هزج مثنی سالم	۲
مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلن	مجتث مثنی محذوف	۲
فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن	رمل مثنی مخبون	۲
فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلان	رمل مثنی مقصور	۲
مفعول فاعلات مفاعیل فاعلان	مضارع مثنی اخرب مقصور	۲

موسیقی کناری (قافیه-ردیف): منظور از موسیقی کناری جلوه‌های موسیقایی حاصل از تکرار کلمات شعری در پایان هر بیت است. البته این تکرار میتواند در آغاز بیت و در قالبهای نو در پایان هر بند باشد، اما آنچه در قالبهای سنتی بیش از همه متداول است، قافیه و ردیفهای پایانی است. «قافیه تنها یک آرایش نیست، بلکه دارای اهمیت زیادی است. از جمله آهنگ و موسیقی شعر را تکمیل میکند و به زیبایی آن میفزاید و گوشنواز و شادی‌آور است و نظم و ترتیب به شعر میدهد و اجزای آن را متناسب مینماید و به حافظه کمک میکند» (وحیدیان کامیار، ۱۳۹۵: ۹۲).

در همه منظومه‌ها و دیوانهای فارسی که تا کنون ترتیب یافته است، کم و بیش عیوب قافیه، نقایص در اوزان و محور و نارساییهای لفظی و تنافر حروف به چشم می‌خورد. مثلاً در شاهنامه فردوسی بیش از شش هزار بیت ضعیف و دارای عیوب مختلف احصا شده است. در آثار عطار، سنایی، سعدی و... تعداد اینگونه ابیات کم نیست. دیوان فارسی فضولی تنها دیوانی است که هیچیک از دیوانهای فارسی در قلمت خطا و عیوب به آن نمی‌رسند. «فضولی در اجتناب از عیوب قافیه دقت داشته است و هیچ مورد خطای فاحش قافیه و خلط انواع با یکدیگر در قصایدش دیده نمی‌شود. در حالیکه حتی در دیوان شعرای بزرگی چون خاقانی، این اصل گاه نادیده گرفته شده است» (مشرف، ۱۳۸۰: ۱۴۲). مواردی از تکرار قافیه در اشعارش دیده می‌شود، اما بیشتر کلماتی که تکرار شده در معانی متفاوت است.

ردیف را معمولاً شعرای توانا و قادر به تصویرسازیهای بدیع در شعر، برمیزینند. شعرای توانای فارسی‌سرا فقط با مردف کردن اشعار خویش توانسته‌اند ابداع و تخیل خود را بستری برای انجذاب معنا از لفظ نمایند و نیروی آفرینشگرشان را در اشعار مردف بروز داده‌اند. ردیف‌سازی یکی از عوامل استحکام بیان در شعر فضولی است و بیش از نود درصد غزل‌های فضولی ردیف دارد. همچنین بسیاری از قصایدش نیز دارای ردیف است و بطور کلی فضولی از انواع ردیف‌های اسمی، فعلی، ترکیبی و... بهره برده است. فضولی به تأثیر موسیقی کناری بر غنای موسیقی شعر آگاه بوده و به همین دلیل از ردیف‌های طولانی بویژه فعلی و ترکیبی بهره می‌گیرد تا علاوه بر ایجاد جنبش و پویایی در شعر، به اهداف معنایی و محتوایی خود دست یابد.

ردیف اسمی:

ای همه دم بزم تو جای رقیب بهر تو ناچار لقای رقیب
(غ ۵۸ ب ۱)

ردیف فعلی:

هر کرا از لوح دل نقش تعلق زایل است متصل نقش جمال دوست بر لوح دل است
(ق ۲۹ ب ۱)

سرو را همچو قدت شیوه رعنائی نیست اینقدر هست که او مثل تو هرجایی نیست
(غ ۶۹ ب ۱)

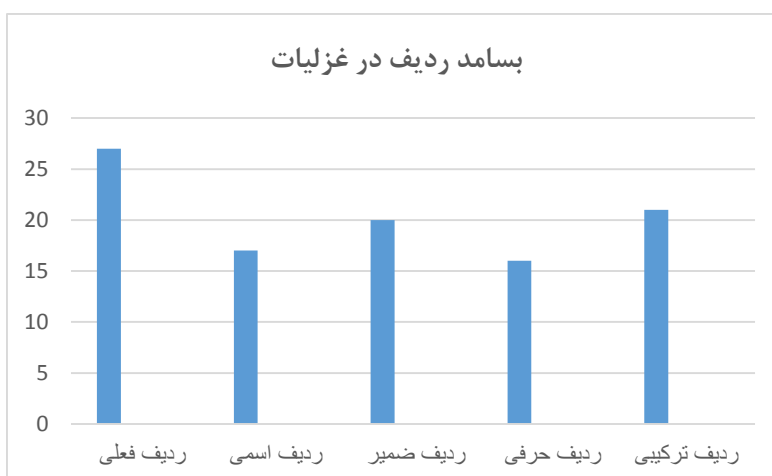
ردیف ترکیبی:

قرآن صفات جاه و جلال محمد است احکام شرع و شرح کمال محمد است
(غ ۶۰ ب ۱)

تا بوده‌ایم همدم غم بوده‌ایم ما غم را ملازم همه دم بوده‌ایم ما
(غ ۳۳ ب ۱)

ردیف حرفی:

چو از غم کنم چاک پیراهنم را ز مردم کند اشک پنهان تنم را
(غ ۷ ب ۱)



موسیقی درونی

موسیقی درونی حاصل هماهنگی و نسبت ترکیب کلمات و طنین خاص هر حرفی در مجاورت با حرف دیگر است. «این موسیقی در آرایه‌های مختلفی همچون جناس، تکرار، ردالصدر، ردالعجز، واج آرای، تضاد و... متجلی میشود» (جمالی، ۱۳۸۳: ۶۳).

تکرار: تکرار موجب آراستگی سخن میشود و ساختار آن را منظم میکند. «گزینش دلخواه در کاربرد لایه آوایی زبان بیش از هر جا در سخن ادبی ممکن است» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۴۷).

مشعبدیست درین پرده ور نه کس به خودی
نه پرده‌دار نه پرده‌نشین نه پرده‌درست
(ق ۲۴ ب ۲۹)

صلای روی زمین میدهد به اهل زمان
زمان زمان اثر افتتاح این ابواب
(ق ۲۰ ب ۸)

حل مشکل نیست مشکل پیش او اما چه سود
مشکل خود پیش او اظهار کردن مشکل است
(غ ۸۸ ب ۲)

همدمی چون غم او نیست دم تنهایی
هر کرا هست غم او غم تنهایی نیست
(غ ۶۹ ب ۳)

واج‌آرایی

یار میدانم که میداند دواى درد من
لیک میگوید نمیدانم نمیدانم چرا
(غ ۵۱ ب ۴)

رفتی و رفت تاب و توان از تن ضعیف
ما طاقت فراق نداریم زور نیست
(غ ۹۵ ب ۲)

یاسمین و سمن و یاسمن و سوسن و گل
همه ظاهر شده در بزم چمن، جام کجاست؟
(ق ۲۱ ب ۲)

جناس: جناس صنعتی موسیقایی و دیداری است. شنیدن و دیدن دو کلمه متجانس لذت هنری را افزایش میدهد و موجب تلاقی هنر و ادبیات میشود. «جناس از یک سو ایجاد موسیقی در کلام میکند و از سوی دیگر سبب تداعی معانی مختلف لفظی واحد میگردد و... به گسترش تخیل و ایجاد کشش و جلب توجه شنونده مینجامد و این از عوامل زیبایی و هنر است» (تجلیل، ۱۳۷۱: ۸).

جناس افزایشی

ای مرید وصل فانی شو که فانی واصل است
(ق ۲۹ ب ۶)

ترک جان بی‌شک به جانان میرساند مرده را

جناس اختلافی

بالله که زور کرد بر آن زار و ناتوان
(ق ۲۵ ب ۱۱)

انداخت از تو دور و به خاک سیه نشاند

جناس اشتقاقی

باشد مرا هم آرزوی ذوق آن صدا
(ق ۲۳ ب ۱۹)

اما چنان نیم که شناسم مذاق درد

حریم قرب او ادنا مشخص کرده محرم را
(غ ۴ ب ۴)

نباشد هیچ صاحب وحی را توفیق معراجت

تضاد

امید و بیم بد و نیک جنت و سقرست
(ق ۲۴ ب ۶۸)

همیشه تا به مکافات خیر و شر به جهان

با وجود آنکه دشمن در ثنائش ابکم است
(ق ۲۷ ب ۲۴)

با وجود آنکه دارد دوست در ذکرش جذر

رد العجز الی الصدر

آفتاب رفعت او عین عرش اعظم است
(ق ۲۷ ب ۲۰)

عرش اعظم زیر دست همت والای اوست

برون کرد آرزوی تیغت از دل این تمنا را
(غ ۶ ب ۶)

تمنای بقای عمر در دل داشتم اما

سطح لغوی: بسامد زیاد برخی کلمات در سبک‌شناسی لغوی شعر، به نوعی بازتاب‌دهنده سبک شخصی، دوره‌ای و حتی جهان‌بینی و رویکرد خاص شاعری است. صرف نظر از لغات رایج عربی در زبان فارسی، در دیوان فارسی فضولی آیات و احادیث و جملات دعایی کوتاه و ملمعاتی به زبان عربی دیده میشود. دشنام و نفرین و عبارات مستهجن در دیوان او استفاده نشده است. شاعر در دیوان خود از زبانی ساده و قابل فهم برای عموم مردم استفاده کرده است و نوآوری در آن دیده نمیشود. غزلیات فضولی بی‌تأثیر از لغات کهن نبوده و گهگاه در اشعارش از لغات کهن استفاده کرده است:

میان خلق چو روشن بسان ماه و خورست
(ق ۲۴ ب ۴۴)

شکستن مه و برگشتن خور از مغرب

در جان من همیشه خیال <u>خَدنگ</u> او	مانند آن الف که بود در میان جان (ق ۲۵ ب ۲)
ای چشم و غمزهات زده صد <u>ناوک</u> جفا	گه آشکار بر دل و جانم گهی نهران (ق ۲۵ ب ۳)
از کلمات پرکاربرد در غزلیات فضولی میتوان به «عشق، عقل، سودایی، مژگان، جفا، ماه، غم، اشک، و خون» اشاره کرد. از نظر ساختار کلمات، تخفیف مصوت بلند «الف» به مصوت کوتاه «-» دیده میشود:	
چو گیرم کاکلش را تا کشد سوی خودم آن <u>مه</u>	به قصد دوری من میگشاید عقد کاکل را (غ ۱۳ ب ۲)
بدون تردید فضولی شاعری است که علاوه بر تسلط در فنون شاعری، از علوم و فنون زمان خود بویژه علم طب، نجوم، فلسفه و عرفان، شناختی عمیق داشته است و شمار اصطلاحات و کلمات مربوط به این علوم در دیوان قابل توجه است.	
سطح نحوی: چگونگی ساختار جمله‌ها، زمان افعال، اسمیه و فعلیه بودن جملات و دیگر موضوعات نحوی و دستوری در این بخش قرار میگیرد. (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۵۵).	
کاربرد «را» به معنی «برای»	
روزی که از تو هر عملی <u>را</u> جزا رسد	تعدیر ما بس است ز تو افعال ما (غ ۳ ب ۵)
فضولی صفحهٔ جان را ز عکس دانهٔ خالش	چنان پر کن که مطلق جا نماند داغ هجران <u>را</u> (غ ۱۱ ب ۷)
کاربرد رای فک اضافه	
غیرت رنگ رخت گل را گریبان کرد چاک	غنچه خونین دل ز رشک درج گوهربار توست (غ ۸۴ ب ۳)
انواع جمع باها - آن	
<u>خطست</u> آن یا برآمد دود دل از بس که <u>محبوبان</u>	زدند آتش به <u>دلها</u> در <u>زخندانها</u> و <u>غیبها</u> (غ ۳۴ ب ۳)
فعل پیشوندی	
چو رغبت نیست در عاشق چه سود از آنکه محبوبان	<u>برافروزند</u> عارضها <u>برافشانند</u> کاکلها (غ ۱۹ ب ۳)
جذب محبت تو کشاکش برو فکند	ناورد تاب آن و <u>برآورد</u> صد فغان (ق ۲۵ ب ۱۹)
فعل دعایی	
<u>دور</u> <u>بادا</u> قد جانان من از چشم بدان	سرو گلزار نکویی قد جانان منست (غ ۶۲ ب ۴)
شمعم من، آتشی تو، ز تو دوریم <u>مباد</u>	زیرا حیاتبخش دل روشنی مرا (غ ۳۷ ب ۴)

سطح ادبی

سطح ادبی اشعار هر شاعر، نشان‌دهنده قدرت او در پروردن معانی ذهنی است. در این بخش به بررسی سطح ادبی یعنی همان فنون بلاغی پرداخته میشود.

تشبیه

محسوس به محسوس

جویبار قلمش چشمه تنفیذ امور سبزه‌زار رقمش صفحه تصویر زکاست
(ق ۲۱ ب ۱۶)

ماییم همچو قطره باران ز جرم خاک عمری بریده میل، شده پیرو هوا
(ق ۲۳ ب ۱۱)

ریگ نجف ز پرتو میل مزار او در چشم مردم است مکرم چو توتیا
(ق ۲۳ ب ۳۵)

معقول به محسوس

کلک اندیشه او بر همه صورت جاری دیده دانش او بر همه معنی بیناست
(ق ۲۱ ب ۱۷)

تیغ تو صیقلیست که داده هر آینه از زنگ شرک آینه شرع را جلا
(ق ۲۳ ب ۴۶)

گاه در وادی ادبار ز بی‌اقبالی گاه در بادیه فقر ز بیسامانی
(ق ۲۶ ب ۲)

نوع تشبیه	حسی-حسی	عقلی-حسی	حسی-عقلی	عقلی-عقلی
درصد	۴۶٪	۵۰٪	۴٪	-

تشبیه مفصل

در این امید که صیدم کند سگ در او هوس چو آهوی وحشی بسی دواند مرا
(غ ۸ ب ۵)

تن که از تیر تو چون زنجیر روزن روزنست تا شدم دیوانه عشق تو زنجیر منست
(ب ۷۳ ب ۱)

از روی کفر صورت بی‌معنیم شده است چون بت همیشه زیور بتخانه ریا
(ق ۲۳ ب ۲۰)

تشبیه مجمل

شب تنهایی من نیست فضولی بی تو شمع بزمست خیال رخ یارم همه شب
(غ ۵۶ ب ۷)

<p>آتشی هست چو فانوس فضولی در تو تشبيه مرسل نهان میسوخت چون شمع آتش دل رشته جان را تشبيه مؤکد هر لحظه به من میرسد از چرخ بلایی تا تیر تو بر من در صد ذوق گشادست تشبيه بلیغ چند در کوی تو باشد همنشین من رقیب نم نماند از تاب <u>خورشید رخت</u> در خاک ما ز <u>چتر علم</u> که بر عالمست سایه‌فکن شده <u>عقاب ستم</u> دیر دور را خفاش چون شمع سوخت <u>آتش محنت</u> تن مرا از غم مرا نماند فضولی ره گریز</p>	<p>نیست خون، اوست نمایان شده از پیرهن (غ ۷۸ ب ۷) زبان حالم آخر کرد روشن سوز پنهان را (غ ۱۱ ب ۱) دامیست قد خم‌شده‌ام مرغ بلا را (غ ۲۷ ب ۶) هر زخم دهانیست مرا بهر دعایت (غ ۷۱ ب ۵) <u>برق آهم</u> کاش یا او را بسوزد یا مرا (غ ۲۴ ب ۲) چون نگرید چون بگرید دیده نمناک ما (غ ۳۰ ب ۱) مشیدست به اوتاد حلم او اطناپ (ق ۲۰ ب ۲۳) به دور عدل تو ای آفتاب عالمتاب (ق ۲۰ ب ۲۷) غم پاره‌پاره ساخت دل روشن مرا (غ ۴۱ ب ۱) بگرفت <u>سیل</u> <u>تفرقه</u> پیرامن مرا (غ ۴۱ ب ۷)</p>
---	---

نوع تشبیه	بلیغ	مجمل	مفصل	مرسل	مؤکد
درصد	۴۵٪	۵٪	۳۰٪	۱۵٪	۵٪

مفرد به مفرد

<p>چون <u>خس</u> فتاده بود <u>فضولی</u> به خاک ره ساقی مرا علاج دگر کن که <u>گرد درد</u></p>	<p>او را نسیم لطف تو از خاک برگرفت (غ ۸۹ ب ۷) ز <u>آیینۀ دلم</u> به می لاله‌گون نرفت (غ ۸۳ ب ۵)</p>
--	---

مقید به مقید

بر یاد ابروی چو هلال محمد است
(غ ۶۱ ب ۳)

جسمم ضعیف چون مه نو نیست از فلک

مقید به مفرد

منزلم از قطره‌های خون او چون گلشن است
(غ ۷۳ ب ۳)

شاکرم دور از گل رویت ز چشم خونفشان

وه که ملک دل ما را غم او رخنه‌گر است
(غ ۷۰ ب ۷)

چاک‌چاکست ز غم سینه ما چون شانه

تشبیه جمع

ولایت تو چو خورشید و ماه مشتهرست
(ق ۲۴ ب ۴۹)

زهی سپهر ولایت که در ولایتها

تشبیه تفضیل

ابر را نیست چو چشم تر من گریانی
(ق ۲۶ ب ۵)

دیده در گریه چو ابرست مرا در غلطم

کان صحیفه نه بدین خط و بدین مضمون است
(غ ۷۷ ب ۴)

لب شیرین تو را چون ورق گل خوانم؟

تشبیه مضمّر

جغد را در طبع میل منزل آباد نیست
(غ ۷۲ ب ۶)

رغبت نزهتگه میخانه از زاهد مجو

استعاره

استعاره مصرحه

باز لعل تو مقید به فسون کرد مرا
(غ ۱۵ ب ۵)

رسته بودم ز گرفتاری شیرین‌دهنان

طلبیدیم ازین به گهری پیدا نیست
(غ ۷۵ ب ۶)

اشک را خوار مبینید که در بحر وجود

بدان شه قاصد درگاه شاه کربلا باشم
(ق ۳۰ ب ۴۲)

ز راه صدق باشم قاصد طوف حسن یعنی

نیست این صید محقر قابل فتراک ما
(غ ۳۰ ب ۷)

گفتمش از خود فضولی را میفکن دور گفت

این روش مخصوص بر شمشاد خوش‌رفتار توست
(غ ۸۴ ب ۶)

نیست در سرو و صنوبر رسم و راه دلبری

استعاره مکنیه

فضولی بی توکل راه دشوارست بر مقصد	مده گر طالبی از دست <u>دامان توکل</u> را (غ ۱۳ ب ۹)
دمید تا خط چون شب ز روی چون روزت	زمانه دیده <u>بخت</u> مرا به خواب انداخت (غ ۸۲ ب ۳)
عمریست کز لباس تعلق مجردم	نگرفته است <u>دست غمی</u> دامن مرا (غ ۴۱ ب ۶)
<u>در کرم</u> بگشا تا شوی بلندمقام	که جای فتحه همیشه ز فتح بر زبرست (ق ۲۴ ب ۸)

نوع استعاره	استعاره مصرحه	استعاره مکنیه
درصد	۴۵٪	۵۵٪

کنایه

کنایه از صفت

کم شدم در صف عشاق نپرسید آن مه

که درین دایره خونین‌جگری پیدا نیست؟
(غ ۷۵ ب ۵)

کنایه از عاشق

از حسن الفتیست که گر رفت کوهکن

هرگز خیال او ز دل بیستون نرفت
(غ ۸۳ ب ۳)

کنایه از فرهاد

کنایه از فعل

مردم دیده من خون جگر خورد بسی

که سرآمد شده در عالم اشک‌افشانی
(ق ۲۶ ب ۶)

کنایه از تحمل سختیهای زیاد

فغان که آرزوی وصل آن دو چشم سیاه

چو میل سرمه به خاک سیه نشاند مرا
(غ ۸ ب ۲)

کنایه از بدبخت کردن

چو از غم کنم چاک پیراهنم را

ز مردم کند اشک پنهان تنم را
(غ ۷ ب ۱)

کنایه از اندوه و بیقراری فراوان

کنایه موصوف

ساکن خاک نجف را هست عار از سلطنت

خاک پای ساقی کوثر به از ملک جم است
(ق ۲۷ ب ۶)

کنایه از حضرت علی (ع)

نوع کنایه	کنایات فعلی	کنایه از صفت	کنایه از موصوف
درصد	۷۰٪	۱۰٪	۲۰٪

تلمیح: فضولی در قصاید خود از تلمیحات دینی و قرآنی بسیاری بهره برده و در غزلیات از تلمیحات غنایی بهره گرفته است. باید این نکته را افزود که فضولی شاعر قرآن‌شناس و قرآن‌پژوهی است و بندرت میتوان غزل یا قصیده‌ای از وی یافت که تأثیر قرآن و احادیث در آن مشهود نباشد.

تلمیحات دینی

حیدرست آسوده در دشت صفا بخش نجف	یا مسیحا خفته بر دامان پاک مریم است (ق ۲۷ ب ۵)
کیست یوسف تا تو را مانند باشد در جمال	او مگر از جمله خیل و حشم باشد تو را (غ ۲۵ ب ۲)
اگر غیر از تو رسم سخا جویم نیم مؤمن	بود گر آن سخا اموال قارون آن سخی حاتم (ق ۲۸ ب ۲۹)
به خاک پای او پی برده‌ام کو خضر فرخ‌بی؟	که او را سوی آب زندگانی رهنما باشم (ق ۳۰ ب ۲۹)
خعلت آل تو آن آتش ابراهیم است	که نهانست درو زهت گلهای بهشت (غ ۹۴ ب ۳)
در نبوت بود موسی را به هارون از کلیم	مخبر این نکته فرمان الهی نازل است (ق ۲۹ ب ۲۰)

تلمیحات اساطیری

کی بود جولان گرد دلدل او رخس را	کمتر از زالیست در میدان او گر رستم است (ق ۲۷ ب ۱۳)
ملال خاطر م زائل نمیگردد اگر جمشید	شود ساقی، دهد می بهر دفع آن ز جام جم (ق ۲۸ ب ۳)

تلمیحات غنایی

به کوه بیستون نقشی که دیدی نیست جز شیرین	زده بر سنگ از رشک جمالت کوهکن او را (غ ۱۴ ب ۵)
قصه فرهاد و مجنون را فضولی کس نخواند	تا برآمد نام در عالم به شیدایی مرا (غ ۲۸ ب ۷)

نام شخصیت	بسامد
حضرت عیسی (ع)	۱۴
حضرت ابراهیم (ع)	۴
حضرت موسی (ع)	۶
حضرت یوسف (ع)/ زلیخا	۶
شیرین و فرهاد	۱۰
لیلی و مجنون	۵
جمشید/ جام جم	۶
قارون	۱
زال و رستم	۱
حضرت سلیمان (ع)	۱
حضرت خضر (ع)	۱
حضرت ایوب (ع)	۱
حضرت نوح (ع)	۳
نوشیروان	۱
حاتم طایی	۳

ایهام

- کام خواهی صبر کن پرویزوار ای کوهکن
کی توان بر خورد از شیرین‌لبان با زور دست
(غ ۹۶ ب ۶)
- شیرین: ۱- نام معشوق، خسرو پرویز، ۲- زیبارویان
بر رهش بنشسته‌ام چون کودکان چابک‌سوار
دررسد با جلوه و از خاک بردارد مرا
(غ ۱۶ ب ۵)
- از خاک برداشتن: ۱- از روی زمین بلند کردن، ۲- مقام و مرتبه دادن
میکنند سجده به خاک سر کوی تو ملک
هر که خاک سر کویت نبود آدم نیست
(غ ۸۱ ب ۳)
- آدم ایهام دارد: ۱- حضرت آدم، ۲- آدم بودن / انسانیت داشتن

مجاز

- با علاقه طرف و مظروف
با سفال قانعم پردرد در کوی مغان
مسند جمشید و جام جم نمیباید مرا
(غ ۲۹ ب ۶)

مجاز از شراب
علاقه سببیه

گلخنی شد منزلم بی آتش رخسار او عاقبت بنشانند بر خاک سیه سودا مرا

مجاز از عشق

علاقه کل و جزء

ترک کوی تو نمیگیرم اگر میمیرم روضه کوی تو فردوس برین است مرا

(غ ۴۸ ب ۳)

مجاز از بهشت (فردوس یکی از طبقات بهشت است).

مراعات النظیر

بهر معامله سوی تو بازار آخرت گر کس برد متاع ولای تو زین دکان

(ق ۲۵ ب ۴۱)

نیست زخمی که در این فصل نیاید مرهم سبزه طرف چمن نسخه جلاب شفاست

(ق ۲۱ ب ۳)

از سکه سعادت توفیق فیض توست رایج به هر معامله نقد روان ما

(غ ۲ ب ۲)

حسن تعلیل

شده از ناوک آهم دل گردون مجروح رنگ خون است شفق نیست که برگردون است

(غ ۷۷ ب ۳)

نشان سیلی سیلیست بر زمین که شدست کبود روی زمین پر ز آبله کف پاب

(ق ۲۰ ب ۱۳)

فضولی و شاعران دیگر: فضولی در میان شاعران فارسی‌سرای پیش از خود، بیش از حافظ به سلمان ساوجی اعتنا میکند و قصیده لامیه را در اقتفای یکی از قصاید وی سروده است؛ اما اعتنا و توجه فضولی به حافظ، مقوله‌ای تأمل‌برانگیز و قابل تحسین است. این اعتنا به حافظ البته سبب آن نیست که فضولی به انتقاد از حافظ نپردازد. حسبیه مازی اوغلو در پایان‌نامه خود موضوع «فضولی و حافظ» و وابستگی عمیق روحی و معنوی این دو شاعر را مورد بررسی قرار داده است. فضولی نسبت به حافظ دچار نوعی حب و بغض و احساس دوگانه بوده است. از یک سو باید گفت بیشترین کسی که بر سبک و اندیشه فضولی اثر گذاشته، حافظ بوده است. صرف نظر از مضامین حافظ که فضولی گاه آنها را در شعر خود مورد استفاده قرار داده، فضولی بسیار متأثر از افکار و جهان‌بینی حافظ بوده است. پورنامداریان درباره این شباهت اشعار حافظ و فضولی مینویسد: «تأثیر غزلهای حافظ در دیوان فضولی کاملاً آشکار است و این نه تنها در حوزه مفاهیم عارفانه و استفاده از کلمات و اصطلاحات و تقابل دو گروه اهل سلامت و اهل ملامت آشکار است، بلکه در تصویرپردازیها و مضمون‌سازیهای شاعرانه نیز پیداست. اما فضولی برای آنکه به توارد متهم نشود، سعی کرده این تأثر را در ساخت و بافتی بگنجانند که در عین اقتباس، بدیع و ابتکاری بنماید» (پورنامداریان، غزلهای فارسی: ص ۴۸).

فضولی در قصیده، غزل، قطعه، مثنوی و ساقینامه هنرنمایی کرده و خاقانی شروانی و امیرخسرو دهلوی و عبدالرحمن جامی را ستوده است. فضولی در دیوان فارسی خود از نظامی نامی نبرده است. شاید علت این امر اختلاف در باورهای مذهبی بوده است. فضولی به مولوی و سعدی نیز نظر داشته است.

سطح فکری

آثار فضولی حکایت از تأملات فلسفی او دارد و متضمن برخی نکته‌سنجیهای شاعر در موضوعات مربوط به جبر و اختیار، عقل و عشق، شریعت و طریقت، مضامین قلندری، مدح امامان و اهل بیت و غیره است. وی همچنین بعضی حوادث اجتماعی را در آثار خود منعکس کرده است و اگرچه خود او ذاتاً چهره اجتماعی یا سیاسی فعالی نیست، شعرش در ارزیابی اوضاع اجتماعی و شرایط فکری و فرهنگی مردم عراق قرن دهم میتواند مورد استفاده قرار بگیرد. فضولی در اشعار خود از اختلاف میان فرقه‌ها و مذاهب بسیار سخن گفته است:

ماییم فرقه‌ای که همیشه مدار چرخ انداخته است تفرقه در میان ما
(ق ۲۳ ب ۵)

ماییم آن گروه پریشان چون حباب صورت نبسته جمعیت ما به هیچ جا
(ق ۲۳ ب ۷)

با وجود اینکه فضولی در عراق زندگی میکرد، هرگز از آنجا و مردمانش راضی نبوده و این نارضایتی را در اشعارش منعکس کرده است و از مردمانی که بویی از فرهنگ و ادب نبرده‌اند شکایت میکند:

نیست در بغدادیان مطلق فضولی رأفتی حیف عمر من که بیحاصل در این کشور گذشت
(غ ۹۷ ب ۷)

ارادت به ائمه اطهار و خاندان معصومین (ع): با روی کار آمدن حکومت صفوی، توجه به مسائل اعتقادی نیز فزونی گرفت و اشعار آیینی و پرداختن به شخصیت حضرت محمد (ص)، حضرت علی (ع)، امام حسین (ع) و امام عصر مورد توجه واقع شد. فضولی شاعری عرفان‌گراست و در میان اشعار خود ابیات بیشماری دارد که از روی عشق و علاقه به ساحت اولیای گرامی اسلام سروده شده است. او قصیده‌ای با ردیف «کربلا» دارد:

السلام ای ساکن محنت‌سرای کربلا السلام ای مستمند و مبتلای کربلا
(دیوان: ص ۲۰۴)

دوستداری علی و آل علی در آثار فضولی نمایان و ریشه‌دار است. او حب علی را واجب و خود را صادقتر از مالک و عمار و ابوذر غفاری میداند:

نیم در مهر او از مالک و عمار و بوذر کم چو صدقم از همه بیش است، کم از کس چرا باشم؟ (ق ۳۰ ب ۲۹)
وی دوستی امیرالمؤمنین را برترین فضایل و بازدارنده از آتش دوزخ، و علی (ع) را ساحل نجات، و مرگ در راه او را زندگی جاودان میپندارد:

همین بس اعتقاد من که در معموره هستی همین حاکم تو را دارم همین تابع تو را باشم
به جبر و کسر احکامت سر تسلیم پیش آرم به امر و نهی فرمانت سگ طوق رضا باشم
(ق ۳۰ ب ۳۴)

فضولی درخصوص علی (ع) غلوآمیز سخن گفته است، از آن جمله میگوید در شب معراج دلدل حضرت علی (ع) با براق پیغمبر اکرم (ص) همعنائی کرده و تا عرش رفته است:

ای دلدل تو از گره تنگنای دهر تا عرش با براق نبی رفته همعنان
(ق ۲۵ ب ۳۳)

علی (ع) در مدینه علم نبی و برای پیامبر (ص) مثل هارون برای کلیم الله (ع) است:

در نبوت بود موسی را به هارون از کلیم
مخبر این نکته فرمان الهی نازل است
گفت احمد حیدر است از من چو هارون از کلیم
هر کرا دیدم بدین نقل مصحح ناقل است
(ق ۲۹ ب ۲۱)

وی در قصایدش ائمه اثنی عشر را با ذکر نام فرد فرد ایشان ستایش میکند و ارشاد ایشان را برای نزدیکی به پروردگار طلب میکند.

عرفان‌گرایی: فضولی پس از فراگیری دانشهای زمان به سلوک فکری پرداخت و همچون اسلاف خود با به دست آوردن تجارب عرفانی و طبع نکته‌یاب و لطیف خود، مضامین تازه‌ای در شعر پدید آورد. او به دلیل شرایط اجتماعی دشواری که در آن میزیست، معمولاً عقاید واقعی خود را پنهان میکرد و دست به تقیه میزد. فضولی از جمله عارفان وارسته است که علاوه بر عرفان عملی و غور و تعمق در زهد و تقوا و سیر و سلوک، به عرفان نظری نیز احاطه داشته و مراحل و مقدمات و مراتب مربوط به سلوک عرفانی و منازل مختلف آن را در لابلای اشعار خود بیان نموده است:

مدتی بهر یقین در پی کسب عرفان
عمر کردم تلف از غایت بی عرفانی
چون گشودم به یقین دیده عرفان دیدم
کین متاعی است که دارد همه جا ارزانی
(ق ۲۶ ب ۷)

چارسوی دهر جای خودفروشانست و بس
جوهر عرفان متاع ناروایی بوده است
(غ ۸۵ ب ۴)

و عبارت «المجاز قنطرة الحقیقه» را که در متون عرفانی به کرات یاد شده به نظم درآورده است و گفته است:
ز عشق مگذر اگر بر مجاز هم باشد
که مرد را به حقیقت مجاز راهبر است
(ق ۲۴ ب ۲۵)

فضولی با وجود اینکه شیعه بوده، بیشتر گرایشات جبری دارد. خردستیزی و سرنوشت‌پذیری او رنگ‌وبوی اشعری‌گونه به اندیشه‌های او میدهد. به عقیده او تغییر سرنوشت محال است و انسان فاعل افعال خود نیست. او به سرنوشت و لایتغیر بودن حکم ازلی اعتقاد راسخ دارد و بر این باور است که هیچ مخلوقی قادر به ایجاد امور نیست و هرچه انجام میشود از اثر قدرت باری تعالی و لطف اوست:

به خود از عشق نه من خواسته‌ام رسوایی
آنکه این جنبش از او خاست چنین خواست مرا
(غ ۴۲ ب ۳)

عشق مضمون خط لوح جبین است مرا
سرنوشت از قلم صنع همین است مرا
(غ ۴۸ ب ۱)

همچنین موضوع عدم دخول شر در قضای الهی در شعر فضولی منعکس است. از نظر او مخلوق بد وجود ندارد و همه فیض محض است؛ ولی ما از دریچه قراردادهای اعتباری و ارزشهایی که برای خویش قرار داده‌ایم آنها را بد میبینیم:

نکو اگر نگری هیچ خلقتی بد نیست
تفاوت بد و نیکی که هست در نظر است
(ق ۲۴ ب ۱۲)

در اشعار فضولی به اصطلاحات خانقاهی و اهل خرقه نیز برمیخوریم؛ مانند:

تعیّن خوش ندارم تا نیابد کس نشان از من
همان بهتر که گم در وادی فقر و فنا باشم
(ق ۳۰ ب ۱۴)

به من فرشته کجا میرسد ز رفعت قدر
حریم درگه پیرمغان مقام منست
(غ ۶۸ ب ۲)

بسته بر محراب دل اهل ورع قندیل‌وش
گوشه مسجد عجب دلگیر جایی بوده است
(غ ۸۵ ب ۵)

ز درد عشق و داغ هجر مینالم، خوش آن رندی
که نی اندیشه جانست نی پروای تن او را
(غ ۱۴ ب ۲)

مضامین عاشقانه: عشق برای فضولی بیش از آنکه مضمون و محتوا باشد، نوعی جهان‌بینی است. فضولی همه چیز را از دریچه عشق میبیند. عشق او آمیزه‌ای است از عشق خاکی و آسمانی و مجازی و حقیقی. او در عاشقی پیرو شیوه پایداری و تسلیم و دردخواهی است؛ یعنی مجموعه خصوصیات که در غزل سبک عراقی و تیموری مشاهده میکنیم. دیوان فارسی وی حاوی لطیفترین و روانترین غزلهای عاشقانه و عارفانه است که هر خواننده‌ای از آن ذوق میگیرد و در اصل جوهره اندیشه وی چیزی جز عشق نیست. فضولی در غزلیات فارسی دل به معشوق ازلی داده و سر بر آستان اهل حقیقت سپرده است:

گشتم مقید غم عشق تو از ازل
هرگز نمیتوانم ازین تا ابد گذشت
(غ ۹۱ ب ۵)

ز ازل در دل من بود فضولی غم عشق
فلک آشفته بدینسان نه کنون کرد مرا
(غ ۱۵ ب ۷)

و در راه این عشق از بدنامی و رسوایی هراسی ندارد:
در ره عشق فضولی دم رسوایی زد
چند گویند که صاحب نظری پیدا نیست؟
(غ ۷۵ ب ۶)

دوست چون میخواهدم رسوا ندارم چاره‌ای
میشوم رسوا چه باک از طعنه دشمن مرا
(غ ۳۱ ب ۳)

او چنان غرق این عشق میشود که پند و نصیحت ناصح را بی‌تأثیر میداند:

ز باد تند ناصح موج دریا بیش میگردد
چه سود از کثرت پندت دل پراضطرابم را؟
(غ ۲۶ ب ۲)

گر قصد دل و دین فضولی کند آن بت
ناصح مده آزار مکن منع خدا را
(غ ۲۷ ب ۷)

با خیال آن پری خو کرده‌ام، ناصح برو
خوش نمی‌آید ملاقات بنی آدم مرا
(غ ۳۹ ب ۲)

و از نظر فضولی رسیدن به این عشق، به علم و عقل میسر نمیشود. عقل گرچه غواص دریای کمال علم است، بنایی بی‌بنیاد است و در این مرتبه و مقام وی راهی نیست:

چون به سرحد حقیقت نیست راهی عقل را
زین تردد هر که آسایش گزیند عاقل است
(ق ۲۹ ب ۱۱)

ز ذوق عشق بتان نیست عقل را خبری چرا که رتبه این ذوق برتر افتاده است
(غ ۹۰ ب ۶)
عقل را برون کرد عشق تو از خانه دل کین سراسیمه به همرازی من محرم نیست
(غ ۸۱ ب ۴)
عشقت از دایره عقل برون کرد مرا داخل سلسله اهل جنون کرد مرا
(غ ۱۵ ب ۱)

مضامین قلندرانه: در بخشی از اشعار دیوان شاعر، مضامین قلندرانه و ملامتی دیده میشود و میتوان به مباحثی مانند آزادی و عدم وابستگی به تعلقات دنیوی، شراب‌نوشی و غنیمت شمردن عمر اشاره کرد:

به ملک دهر فضولی میند دل کاینجا بسیست آمده اما کسی که ماند نیست
(غ ۷۹ ب ۷)
ترک عالم کن که در عالم نمی‌ارزد به غم گر هزاران گنج بر بالای هم باشد تو را
(غ ۲۵ ب ۶)
مگذران بی می و معشوق فضولی زنهار حاصل عمر گرانمایه که جز یک دم نیست
(غ ۸۱ ب ۷)
ساقیا می ده که حرفی زان دهان گویم تو را تا نکردم مست کی راز نهان گویم تو را؟
(غ ۱۷ ب ۲)
چند باشم در جدل با خود ز غم، ساقی بیار شیشه می تا رهند ساعتی از من مرا
(غ ۳۱ ب ۲)

شکایت از فلک: به علت حاکم بودن استبداد و اختناق شدید در جامعه، شاعر و نویسنده که به دلایل مختلف قدرت بیان آن را بصورت علنی پیدا نمیکند، بناچار ظلم و ستمهای وارده را به فلک و روزگار نسبت میدهد تا هم نارضایتی را بیان کرده و هم لطمه‌ای به جایگاه اجتماعیش وارد نکرده باشد. شکایت از فلک، بازتاب گسترده‌ای در اشعار فضولی دارد:

فلک در نامرادی تا به کی جانم به لب آرد مرادم کی میسر زان لب میگون شود یا رب؟
(غ ۵۳ ب ۵)

مذمت زاهدان ریایی: انعکاس ریا در آثار ادیبان یک عصر، نشان از محیط ناامن و اوضاع پریشان اجتماع و استبداد حاکم بر جامعه دارد. نقد زاهد در شعر فضولی بسیار طعنه‌آمیز و تند است:

دلا زهد ریایی هیچکس را خوش نمی‌آید شعار خود مکن بهر خدا این وضع ناخوش را
(غ ۴۷ ب ۴)
زاهد نمیشود نکند منع ما ز می معتاد را تغییر اطوار مشکل است
(غ ۷۴ ب ۶)

غم‌گرایی: فضولی نیز مانند بسیاری از شاعران ادب فارسی، غم و اندوه را ستوده و آن را مایه تلطیف روح و اصالت عشق دانسته است:

برون مباد زمانی ز جان ما غم یار که در بلا غم یارست یار جانی ما
(غ ۹ ب ۲)

در غم عشق بتان هیچکسی چون من نیست نظری کن که غم عشق تو چون کرد مرا
(غ ۱۵ ب ۲)

من به غم خو کرده‌ام جز غم نمیباید مرا ور ز غم ذوقی رسد آن هم نمیباید مرا
(غ ۲۹ ب ۱)

تا بوده‌ایم همدم غم بوده‌ایم ما غم را ملازم همه دم بوده‌ایم ما
(غ ۳۳ ب ۱)

اشعار سگیه: یکی دیگر از مضامین موجود در شعر فضولی، اشعاری مشهور به «سگیه» است. در قرن نهم و عهد شاهرخ شاه اشعاری به وجود آمد که در آنها عاشق موجودی محروم و بدبخت است، بطوری که آرزو میکند تا سگ کوی معشوق یا معاشر آن باشد (شمیسا، ۱۳۸۰: ۱۴۸). اینکه شاعر خود را سگ کوی معشوق خطاب میکند، نشانهٔ اوج خاکساری او در برابر معشوق و نیاز به کمترین مصاحبت و معاشرت با اوست:

میان مردمم این آبرو بس که دوش پریوشی سگ درگاه خویش خواند مرا
(غ ۸ ب ۶)

تا ز گردون نگذرد شبها فضولی ناله‌ات سگ به از من گر سگ آن دلستان گویم تو را
(غ ۱۷ ب ۷)

رقیبی را سگ خود خواند یارم جای آن باشد که سوزد آتش این رشک مغز استخوانم را
(غ ۲۵ ب ۵)

روی بر راه سگ کوی تو سودن صد ره بهتر از سلطنت روی زمین است مرا
(غ ۴۸ ب ۲)

نشمرد از سگان خودم هیچ دلبری بر من ز دلبران ستم بی‌عدد گذشت
(غ ۹۱ ب ۳)

نتیجه‌گیری

یکی از شاعران اندیشمند و عارف قرن دهم هجری ملا محمدبن سلیمان بغدادی متخلص به فضولی است که از بزرگترین سخنوران تاریخ ادبیات آذربایجان به شمار میرود. فضولی ستایشگر فرزانهٔ اهل بیت (ع) و از اندیشمندان شیعی زمانش و صاحب نظر در علوم و معارف عرفانی، قرآنی، فلسفی و کلامی است. فضولی پس از فراگیری دانشهای زمان به سلوک فکری پرداخت و همچون اسلاف خود، با به دست آوردن تجارب عرفانی و با طبع نکته‌یاب و با اشارات لطیف خود مضمونهای تازه‌ای پدید آورد. با مطالعهٔ آثار فضولی معلوم میشود که دواوین شعرای دیگر را خوانده و از گلشن رنگارنگ ادب فارسی بهره‌های فراوانی برده است. با بررسی دیوان این شاعر در سه سطح زبانی، ادبی و فکری میتوان این نتایج را به دست آورد:

در سطح زبانی، ردیف در دیوان فضولی چشمگیر است و بیشتر ردیفهای انتخابی شاعر از نوع فعلی است. آوردن فعل در پایان ابیات نشان از استحکام و استواری شعر اوست؛ زیرا بار معنایی شعر را ردیف تحمل میکند. فضولی در انتخاب و گزینش ردیف و قافیه دقت دارد و بسیاری از ردیفها را به تناسب مضمون آورده است. از لغات مهجور و کهن فارسی بسیار کم بهره برده است. در سطح لغوی شاعری ترکیب‌ساز نیست و ترکیبات مورد استفاده در اثرش همگی تکراری و کلیشه‌ای هستند. فضولی زبانی ساده و روان، زیبا و پرمغز به دور از تکلف و تصنع دارد. اصطلاحات و تعبیرات عامیانهٔ چشمگیری در شعر او دیده نمیشود. صرف نظر از لغات رایج عربی در زبان فارسی،

در شعر فضولی آیات و احادیث و جملات دعایی کوتاه و ملمعاتی به زبان عربی دیده میشود. فضولی از علوم فقه، کلام، حدیث، فلسفه و عرفان مطلع بوده و با اصطلاحات خاص نجوم، ریاضی و طب آشنایی کامل داشته است و از آنها بسیار بهره برده است. او به انواع صنایع موسیقی‌آفرین بویژه جناس، واج‌آرایی و تکرار توجه داشته است. در سطح ادبی، تشبیه‌های فضولی نشانگر قدرت و توانایی سخنوری اوست. شاعر از تشبیهات حسی به حسی و عقلی به حسی بهره فراوان جسته و تشبیه بلیغ بیش از سایر تشبیهات در شعر او وجود دارد که بیشتر در شکل اضافه تشبیهی نمود یافته است. اما در تشبیهاتش، تازگی و ابتکار خاصی دیده نمیشود و روح و فضای سنتی بر آنها حاکم است. استعاره‌های فضولی کاملاً ساده و اغلب تکراری است. فضولی شاعر قرآن‌شناس و قرآن‌پژوهی است و بندرت میتوان غزلی را یافت که تأثیر قرآن در آن مشهود نباشد. تلمیح از آرایه‌های پرکاربرد در دیوان وی است و بیشتر تلمیحات موجود در قصاید او، وجهه دینی و قرآنی دارند و تلمیحات غنایی در غزلیاتش نمود بیشتری دارند. گرایش شاعر به کنایات فعلی بیش از سایر کنایات است.

در سطح فکری، قصاید و اشعار مدحی او اغلب آمیخته با نعت حضرت علی (ع) و اهل بیت است و در بسیاری از آثار خود علیه شاهان و ظلم آنان سخن گفته است و پا از حد نصیحت فراتر گذاشته است و زبان تند و بی‌پروایی به کار میبرد. او در قصاید خود از اوضاع زمانه و اختلاف میان فرقه‌های موجود سخن میگوید. اصلیتین موضوع غزلهایش عشق است که در راه عشق خود را برتر از فرهاد و مجنون میدانند و غم و درد عشق را به جان میخورد. از دیگر مضامین شعری او میتوان به مخالفت با زاهدان ریایی، مضامین قلندرانه، و اشعار سگیه اشاره کرد.

تشکر و قدردانی

نویسنده بر خود لازم میداند مراتب تشکر خود را از نشریه وزین سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب سابق) اعلام نماید.

تعارض منافع

نویسنده این مقاله گواهی مینماید که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی نویسنده است و نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارد. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکرشده را بر عهده میگیرد.

REFERENCES

- Fotuhi, Mahmoud. (2010). *Stylology, theories, approaches and methods*, Tehran: Sokhan.
- Fozuli Bayatli, Mohammad. (2008). *Diwan of Persian poems, introduction and correction by Hossein Mohammadzadeh Seddiq*, Tabriz: Yaran.
- Jamali, Shahrouz. (2004). "Repetition of the basis of poetry music", *Keyhan Farhangi*, No. 216, pp. 66-60.
- modarres, Mirza Mohammad Ali. (1990). *Reyhaneh al-Adab*, Tehran: Khayyam bookstore.
- Mosharraf, Maryam. (2001). *The life and poetry of Mohammad Fozuli*, Tehran: Rozeneh.

- Shafiei Kadkani, Mohammad Reza. (2006). Poetry music, 10th edition. Tehran: Agah, p. 142.
- Shamisa, Cyrus. (1991). A fresh look at the original. Tehran: Ferdous, p. 33.
- Shamisa, Cyrus. (1994). Generalities of stylistics, volume 2, Tehran: Ferdowsi, pp. 156-155.
- Shamisa, Cyrus. (2012). Expression and meanings. Tehran: Mitra, pp. 49-48.
- Tajleel, Jalil. (1992). Jenas in the breadth of Persian literature, Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Toghiani, Ishaq. (2006). Shiite thought in the poetry of the Safavid period, Isfahan: Isfahan University Press.
- Vahidian Kamiyar, Taghi. (2015). Weight and Rhyme of Persian Poetry, Tehran: Academic Publishing Center.

فهرست منابع فارسی

- تجلیل، جلیل (۱۳۷۱)؛ جناس در پهنای ادب فارسی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. جمالی، شهروز (۱۳۸۳)؛ «تکرار اساس موسیقی شعر»، کیهان فرهنگی، شماره ۲۱۶، صص ۶۰-۶۶.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۶)؛ موسیقی شعر، چاپ دهم. تهران: آگاه، ص ۱۴۲.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۰)؛ نگاهی تازه به بدیع. تهران: فردوس، ص ۳۳.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۳)؛ کلیات سبک‌شناسی، جلد ۲، تهران: فردوسی، صص ۱۵۶-۱۵۵.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۹۲)؛ بیان و معانی. تهران: میترا، صص ۴۹-۴۸.
- طغیانی، اسحاق (۱۳۸۵)؛ تفکر شیعه در شعر دوره صفویه، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۰)؛ سبک‌شناسی، نظریه‌ها و رویکردها و روشها، تهران: سخن.
- فضولی بیاتلی، محمد (۱۳۸۷)؛ دیوان اشعار فارسی، مقدمه و تصحیح حسین محمدزاده صدیق، تبریز: یاران.
- مدرس، میرزا محمدعلی (۱۳۶۹)؛ ریحانة الادب فی تراجم، تهران: کتابفروشی خیام.
- مشرف، مریم (۱۳۸۰)؛ زندگی و شعر محمد فضولی، تهران: روزنه.
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۹۵)؛ وزن و قافیة شعر فارسی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

معرفی نویسنده

الهام افشار: دانش‌آموخته کارشناسی ارشد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، همدان، ایران.

(Email: elham.afshar@student.pnu.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the author

Elham Afshar: Master Department of Persian Language and Literature, Payam Noor University, Hamedan, Iran.

(Email: elham.afshar@student.pnu.ac.ir)